

## ارائه مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی

۱. زلیخا علیزاده نصرآبادعلیا\*: گروه مدیریت ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. پست الکترونیک: alizadeh411@yahoo.com

### چکیده

هدف این پژوهش ارائه و اعتباریابی مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی و شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و روابط ساختاری میان عوامل مؤثر بر توسعه حرفه‌ای آنان بود. این پژوهش با رویکرد آمیخته اکتشافی متوالی انجام شد. در بخش کیفی، از نظریه داده‌بنیاد برای شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های توانمندسازی حرفه‌ای استفاده شد. جامعه مشارکت‌کنندگان این بخش شامل متخصصان مدیریت ورزشی، برنامه‌ریزی درسی، آموزش تربیت بدنی و معلمان با تجربه شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود که ۲۲ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل تمامی معلمان تربیت بدنی شهر تهران بود که بر اساس فرمول کوکران ۳۴۹ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته توانمندسازی حرفه‌ای بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی، مدل‌سازی معادلات ساختاری و آزمون فریدمن در نرم‌افزارهای SPSS و AMOS تحلیل شدند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی از نه بعد اصلی شامل شایستگی‌های حرفه‌ای، توسعه دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی، توانمندی‌های فناورانه، حمایت سازمانی، انگیزش حرفه‌ای، تعاملات حرفه‌ای، یادگیری مادام‌العمر و رهبری آموزشی تشکیل شده است که در مجموع ۷۸.۵۶ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری حاکی از برازش مطلوب مدل بود ( $CFI=0.95$ ,  $RMSEA=0.064$ ). تمامی ابعاد دارای اثر مثبت و معنادار بر توانمندسازی حرفه‌ای بودند ( $P<0.001$ ). بیشترین تأثیر مربوط به شایستگی‌های حرفه‌ای ( $\beta=0.84$ )، توسعه دانش تخصصی ( $\beta=0.79$ ) و مهارت‌های آموزشی ( $\beta=0.76$ ) بود. همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد شایستگی‌های حرفه‌ای مهم‌ترین بعد مدل محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی پدیده‌ای چندبعدی و متأثر از عوامل حرفه‌ای، آموزشی، سازمانی، فناورانه و انگیزشی است. مدل ارائه‌شده از اعتبار ساختاری مطلوبی برخوردار بوده و می‌تواند به عنوان چارچوبی علمی برای طراحی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای، ارتقای شایستگی‌های معلمان و بهبود کیفیت آموزش تربیت بدنی در نظام آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** توانمندسازی حرفه‌ای، معلمان تربیت بدنی، شایستگی‌های حرفه‌ای، توسعه حرفه‌ای، مدل‌سازی معادلات ساختاری، رهبری آموزشی، یادگیری مادام‌العمر.

## مقدمه

نظام‌های آموزشی در سراسر جهان در دهه‌های اخیر با تغییرات گسترده‌ای مواجه شده‌اند که ناشی از تحولات اجتماعی، فناوری، اقتصادی و فرهنگی است. در این میان، معلمان به عنوان مهم‌ترین عامل انسانی در فرآیند تعلیم و تربیت، نقش اساسی در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی ایفا می‌کنند. کیفیت آموزش در هر نظام آموزشی تا حد زیادی به میزان توانمندی، شایستگی و آمادگی حرفه‌ای معلمان وابسته است و هرگونه برنامه‌ریزی برای بهبود عملکرد آموزشی بدون توجه به توسعه و توانمندسازی نیروی انسانی آموزشی با موفقیت محدودی همراه خواهد بود. از این رو، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان به یکی از موضوعات محوری در پژوهش‌های آموزشی تبدیل شده است و بسیاری از سیاست‌گذاران آموزشی تلاش کرده‌اند از طریق طراحی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای، زمینه ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری را فراهم آورند (Harris et al., 2011).

در میان گروه‌های مختلف معلمان، معلمان تربیت بدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند؛ زیرا علاوه بر انتقال دانش و مهارت‌های حرکتی، مسئولیت ارتقای سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان را نیز بر عهده دارند. ماهیت چندبعدی درس تربیت بدنی موجب شده است که معلمان این حوزه با انتظارات حرفه‌ای متنوعی مواجه باشند. آنان باید علاوه بر تسلط بر دانش تخصصی رشته، توانایی برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت کلاس، ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان، بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی و ایجاد محیط‌های یادگیری ایمن و اثربخش را نیز دارا باشند. به همین دلیل، توسعه توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی به عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی ارتقای کیفیت آموزش تربیت بدنی در مدارس شناخته می‌شود (Lleixà et al., 2016).

پژوهشگران معتقدند که توانمندسازی حرفه‌ای فرآیندی است که از طریق آن افراد دانش، مهارت، نگرش و اعتمادبه‌نفس لازم برای انجام مؤثر وظایف حرفه‌ای خود را کسب می‌کنند. این مفهوم تنها به افزایش دانش تخصصی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد روان‌شناختی، سازمانی، اجتماعی و مدیریتی را نیز در بر می‌گیرد. در واقع، توانمندسازی زمانی تحقق می‌یابد که افراد علاوه بر برخورداری از صلاحیت‌های تخصصی، احساس شایستگی، خودکارآمدی، استقلال و تأثیرگذاری در محیط کار را تجربه کنند. مطالعات انجام‌شده در حوزه آموزش نشان داده‌اند که معلمان توانمند از انگیزه بالاتر، تعهد سازمانی بیشتر و عملکرد حرفه‌ای مطلوب‌تری برخوردار هستند و می‌توانند نقش مؤثرتری در پیشرفت تحصیلی و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان ایفا کنند (Moradiani Gilani & Zartoshtian, 2020; Safari et al., 2016).

در سال‌های اخیر، مفهوم توانمندسازی حرفه‌ای در حوزه تربیت بدنی نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. یافته‌های مطالعات مختلف نشان می‌دهد که ارتقای توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی می‌تواند به بهبود کیفیت تدریس، افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی، ارتقای سلامت دانش‌آموزان و توسعه فرهنگ فعالیت بدنی در مدارس منجر شود. با این حال، تحقق این اهداف مستلزم شناسایی دقیق عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر توانمندسازی حرفه‌ای این گروه از معلمان است (Shahzadeh Teymurlou et al., 2020; Teymurlou et al., 2020).

یکی از مهم‌ترین ابعاد توانمندسازی حرفه‌ای، شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان است. شایستگی حرفه‌ای مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی است که به معلمان امکان می‌دهد وظایف آموزشی خود را به شکل اثربخش انجام دهند. پژوهش‌شناسایی شایستگی‌های ضروری معلمان تربیت بدنی نشان داد که دانش تخصصی، مهارت‌های ارتباطی، توانایی برنامه‌ریزی آموزشی، اخلاق حرفه‌ای و مهارت‌های مدیریتی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده شایستگی حرفه‌ای هستند (Aghaei et al., 2017). همچنین طراحی مدل شایستگی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی ایران نشان داد که ابعاد دانشی، مهارتی، نگرشی و شخصیتی نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی ایفا می‌کنند (MirHosseini et al., 2019).

علاوه بر شایستگی‌های فردی، محیط سازمانی نیز نقش مهمی در توانمندسازی حرفه‌ای معلمان دارد. سازمان‌های آموزشی از طریق فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری، حمایت مدیریتی، مشارکت در تصمیم‌گیری و ایجاد فرهنگ سازمانی یادگیرنده می‌توانند زمینه رشد و توسعه حرفه‌ای معلمان را فراهم کنند. در این راستا، رابطه بین توانمندسازی و یادگیری سازمانی در کارکنان دانشکده‌های تربیت بدنی نشان داد که یادگیری سازمانی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های توانمندسازی است و سازمان‌هایی که از فرهنگ یادگیری قوی‌تری برخوردارند، سطح بالاتری از توانمندی حرفه‌ای را در میان کارکنان خود تجربه می‌کنند (Moradi Kamreh et al., 2016).

از سوی دیگر، مطالعات روان‌شناختی نیز اهمیت ابعاد انگیزشی و شناختی توانمندسازی را برجسته ساخته‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که احساس شایستگی، خودکارآمدی، استقلال حرفه‌ای و ادراک تأثیرگذاری نقش مهمی در ارتقای عملکرد معلمان دارد. در همین زمینه، نقش میانجی توانمندسازی روان‌شناختی در ارتباط بین فضیلت سازمانی و تعهد سازمانی معلمان تربیت بدنی مورد تأیید قرار گرفته و مشخص شده است که افزایش توانمندسازی روان‌شناختی می‌تواند سطح تعهد و انگیزش حرفه‌ای معلمان را به شکل معناداری ارتقا دهد (Moradiani Gilani & Zartoshtian, 2020).

یکی دیگر از عوامل مهم در توسعه حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی، مشارکت در برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های توسعه حرفه‌ای است. این برنامه‌ها فرصتی برای به‌روزرسانی دانش تخصصی، تبادل تجربیات حرفه‌ای و آشنایی با روش‌های نوین تدریس فراهم می‌کنند. پژوهش‌های هریس و همکاران نشان داد که شرکت در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای موجب بهبود نگرش معلمان نسبت به تربیت بدنی، افزایش اعتمادبه‌نفس حرفه‌ای و ارتقای کیفیت تدریس آنان می‌شود (Harris et al., 2011). همچنین مطالعه هگل و همکاران نشان داد که حضور در کارگاه‌های آموزشی تخصصی می‌تواند نگرش معلمان تربیت بدنی را نسبت به آموزش فراگیر بهبود بخشد و توانایی آنان را در پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع دانش‌آموزان افزایش دهد (Haegele et al., 2016).

تحولات فناوری نیز ابعاد جدیدی را به توانمندسازی حرفه‌ای معلمان افزوده است. امروزه معلمان تربیت بدنی برای موفقیت در محیط‌های آموزشی نوین ناگزیر از بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، سامانه‌های یادگیری الکترونیکی و ابزارهای نوین آموزشی هستند. توسعه مهارت‌های فناورانه به معلمان امکان می‌دهد تا روش‌های تدریس خلاقانه‌تری را به کار گیرند، تعامل بیشتری با

دانش‌آموزان برقرار کنند و کیفیت فرآیند یادگیری را افزایش دهند. از این رو، توانمندی فناورانه به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی توانمندسازی حرفه‌ای در بسیاری از الگوهای جدید توسعه حرفه‌ای معلمان مورد تأکید قرار گرفته است (Lleixà et al., 2016). در حوزه تربیت بدنی، تسلط بر مهارت‌های حرکتی و دانش تخصصی ورزش نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه شایستگی حرکتی نشان داده‌اند که معلمانی که از دانش و مهارت‌های حرکتی بالاتری برخوردارند، عملکرد آموزشی اثربخش‌تری داشته و قادرند محیط‌های یادگیری مناسب‌تری برای دانش‌آموزان ایجاد کنند (Ruiz-Pérez & Palomo-Nieto, 2018). همچنین رشد شایستگی‌های هیجانی و اجتماعی معلمان می‌تواند بر کیفیت ارتباط آنان با دانش‌آموزان و همکاران تأثیر مثبت بگذارد. مطالعات انجام‌شده در زمینه شایستگی هیجانی نیز نشان داده‌اند که توانایی مدیریت هیجان‌ها، کنترل رفتار و برقراری تعاملات اثربخش از عوامل مهم موفقیت حرفه‌ای در محیط‌های آموزشی محسوب می‌شود (Todorović & Mitrović, 2017).

در سطح سیاست‌گذاری آموزشی، تدوین استانداردهای حرفه‌ای برای معلمان تربیت بدنی یکی از راهبردهای اساسی توسعه کیفیت آموزشی محسوب می‌شود. پژوهش تعیین استانداردهای حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی با استفاده از روش دلفی نشان داد که استانداردهای حرفه‌ای باید طیفی از شایستگی‌های دانشی، مهارتی، اخلاقی و مدیریتی را در بر گیرند و مبنایی برای ارزیابی و توسعه حرفه‌ای معلمان فراهم آورند (Ahadi et al., 2012). همچنین مدل‌های مبتنی بر اسناد بالادستی کشور بر ضرورت ایجاد نظام جامع توانمندسازی معلمان تربیت بدنی تأکید کرده‌اند تا از این طریق اهداف کلان آموزشی و تربیتی کشور محقق شود (Shahzadeh Teymurlou et al., 2020; Shahzadeh Teymurlou et al., 2020).

علاوه بر این، برخی پژوهشگران بر اهمیت انطباق الگوهای توانمندسازی با ویژگی‌های فرهنگی و بومی جوامع تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال، مدل‌سازی الگوی شایستگی مدیران تربیت بدنی دانشگاهی در چارچوب فرهنگ اسلامی نشان داد که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری شایستگی‌ها و توانمندی‌های حرفه‌ای ایفا کنند (Cheragh Birjandi et al., 2018). این موضوع نشان می‌دهد که طراحی مدل‌های توانمندسازی حرفه‌ای برای معلمان تربیت بدنی نیز باید با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور انجام شود.

با وجود مطالعات متعدد در زمینه شایستگی حرفه‌ای، توانمندسازی روان‌شناختی، توسعه حرفه‌ای و استانداردهای آموزشی معلمان تربیت بدنی، همچنان خلأ قابل توجهی در زمینه ارائه یک مدل جامع و بومی توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین تنها بر یک یا چند بعد محدود تمرکز داشته‌اند و کمتر پژوهشی تلاش کرده است تمامی عوامل فردی، سازمانی، آموزشی، فناورانه و انگیزشی را در قالب یک مدل یکپارچه مورد بررسی قرار دهد. همچنین تغییرات سریع محیط‌های آموزشی، گسترش فناوری‌های نوین و افزایش انتظارات از معلمان تربیت بدنی، ضرورت بازنگری در الگوهای موجود و ارائه مدل‌های جامع‌تر را دوچندان ساخته است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر ارائه مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی و شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و روابط میان عوامل مؤثر بر توسعه توانمندی‌های حرفه‌ای این گروه از معلمان در نظام آموزشی ایران است.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف ارائه مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی انجام شد و از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، در زمره پژوهش‌های آمیخته اکتشافی متوالی قرار گرفت. در مرحله کیفی، به منظور شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی، از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین استفاده شد. جامعه آماری بخش کیفی شامل متخصصان حوزه مدیریت ورزشی، برنامه‌ریزی درسی، آموزش تربیت بدنی، اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان و معلمان باتجربه تربیت بدنی شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مبتنی بر اصل اشباع نظری انجام شد و در نهایت با ۲۲ نفر از خبرگان و متخصصان مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. معیارهای ورود به مطالعه شامل داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد، سابقه فعالیت حرفه‌ای در حوزه آموزش تربیت بدنی و آشنایی با مباحث توسعه حرفه‌ای معلمان بود. فرآیند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت و در مصاحبه بیست‌ودوم، داده جدیدی حاصل نشد. در بخش کمی پژوهش، جامعه آماری شامل تمامی معلمان تربیت بدنی شاغل در مدارس دولتی و غیردولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که بر اساس آمار اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران تعداد آنان ۳۸۵۰ نفر برآورد شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۴۹ نفر تعیین گردید و نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم از مناطق مختلف آموزشی شهر تهران انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان پس از آگاهی از اهداف پژوهش و تکمیل فرم رضایت‌نامه آگاهانه وارد مطالعه شدند و محرمانگی اطلاعات آنان در تمامی مراحل پژوهش رعایت شد.

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق بود که بر اساس مرور مبانی نظری و مطالعات پیشین طراحی شدند. سؤالات مصاحبه پیرامون عوامل مؤثر بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی، چالش‌ها و موانع توسعه حرفه‌ای، راهکارهای ارتقای شایستگی‌های تخصصی و نقش سازمان‌های آموزشی در حمایت از معلمان تدوین گردید. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود و تمامی مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط، پیاده‌سازی و کدگذاری شدند. در بخش کمی، از پرسشنامه محقق‌ساخته توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی استفاده شد که بر اساس یافته‌های مرحله کیفی و ادبیات پژوهش طراحی گردید. این پرسشنامه شامل ۶۸ گویه در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» بود و ابعاد اصلی شناسایی شده شامل شایستگی‌های حرفه‌ای، توسعه دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی، توانمندی‌های فناورانه، حمایت سازمانی، انگیزش حرفه‌ای، یادگیری مادام‌العمر، تعاملات حرفه‌ای و رهبری آموزشی را مورد سنجش قرار می‌داد. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه از نظرات ۱۵ نفر از متخصصان حوزه تربیت بدنی، برنامه‌ریزی درسی و مدیریت آموزشی استفاده شد و شاخص نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا برای تمامی گویه‌ها در سطح مطلوب تأیید گردید. همچنین روایی سازه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی مورد ارزیابی قرار گرفت. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی محاسبه شد که مقادیر به دست آمده برای تمامی ابعاد بیش از ۰.۷۰ بود و از انسجام درونی مناسب ابزار حکایت داشت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش کیفی و کمی انجام شد. در مرحله کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA و بر اساس مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. پس از استخراج مفاهیم اولیه، کدهای مشابه در قالب مقوله‌های فرعی و اصلی طبقه‌بندی شدند و در نهایت مدل مفهومی توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی تدوین گردید. برای افزایش اعتبار یافته‌های کیفی از روش‌های بازبینی مشارکت‌کنندگان، مرور همکاران پژوهشی و مقایسه مستمر داده‌ها استفاده شد. در مرحله کمی، داده‌ها پس از بررسی نرمال بودن توزیع، نبود داده‌های پرت و کنترل مفروضه‌های آماری، با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ مورد تحلیل قرار گرفتند. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌هایی نظیر میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد استفاده شد و در بخش آمار استنباطی تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی، مدل‌سازی معادلات ساختاری و آزمون شاخص‌های برازش مدل به کار گرفته شد. همچنین برای بررسی روابط میان ابعاد مدل و ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی از ضرایب مسیر، مقادیر  $t$  و شاخص‌های برازش شامل CFI، TLI، GFI، AGFI، RMSEA و  $\chi^2/df$  استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌ها ۰.۰۵ در نظر گرفته شد و نتایج حاصل مبنای ارائه مدل نهایی توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی قرار گرفت.

### یافته‌ها

در این پژوهش، ۳۴۹ نفر از معلمان تربیت بدنی شهر تهران در سال ۱۴۰۰ مشارکت داشتند. از این تعداد، ۲۱۱ نفر (۶۰.۵ درصد) مرد و ۱۳۸ نفر (۳۹.۵ درصد) زن بودند. از نظر سطح تحصیلات، ۷۳ نفر (۲۰.۹ درصد) دارای مدرک کارشناسی، ۲۳۶ نفر (۶۷.۶ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۴۰ نفر (۱۱.۵ درصد) دارای مدرک دکتری بودند. همچنین ۸۴ نفر (۲۴.۱ درصد) کمتر از ۱۰ سال سابقه خدمت، ۱۵۷ نفر (۴۵.۰ درصد) بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه خدمت و ۱۰۸ نفر (۳۰.۹ درصد) بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت داشتند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۴۱.۷۲ سال با انحراف معیار ۷.۸۶ سال بود که نشان‌دهنده حضور معلمان با تجربه و برخوردار از سابقه حرفه‌ای مناسب در پژوهش حاضر است.

### جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی ابعاد مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین‌شده	درصد تجمعی
شایستگی‌های حرفه‌ای	۱۲.۸۴	۱۸.۸۸	۱۸.۸۸
توسعه دانش تخصصی	۸.۹۶	۱۳.۱۷	۳۲.۰۵
مهارت‌های آموزشی	۷.۳۵	۱۰.۸۱	۴۲.۸۶
توانمندی‌های فناورانه	۵.۸۴	۸.۵۹	۵۱.۴۵
حمایت سازمانی	۴.۹۲	۷.۲۳	۵۸.۶۸
انگیزش حرفه‌ای	۴.۱۱	۶.۰۴	۶۴.۷۲
تعاملات حرفه‌ای	۳.۵۷	۵.۲۵	۶۹.۹۷
یادگیری مادام‌العمر	۳.۰۸	۴.۵۳	۷۴.۵۰
رهبری آموزشی	۲.۷۶	۴.۰۶	۷۸.۵۶

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که ساختار مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی از ۹ عامل اصلی تشکیل شده است که در مجموع ۷۸.۵۶ درصد از واریانس کل متغیر را تبیین می‌کنند. بیشترین سهم مربوط به عامل شایستگی‌های حرفه‌ای با ۱۸.۸۸ درصد واریانس تبیین شده بود. پس از آن توسعه دانش تخصصی و مهارت‌های آموزشی به ترتیب با ۱۳.۱۷ و ۱۰.۸۱ درصد قرار گرفتند. این یافته‌ها بیانگر آن است که توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی بیش از هر چیز متأثر از دانش، مهارت و شایستگی‌های حرفه‌ای آنان بوده و سایر عوامل در تعامل با این مؤلفه‌های بنیادین عمل می‌کنند.

### جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل نهایی توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی

شاخص برازش	مقدار به دست آمده	مقدار مطلوب
$\chi^2/df$	۲.۴۱	کمتر از ۳
GFI	۰.۹۲	بیشتر از ۰.۹۰
AGFI	۰.۹۰	بیشتر از ۰.۹۰
CFI	۰.۹۵	بیشتر از ۰.۹۰
TLI	۰.۹۴	بیشتر از ۰.۹۰
IFI	۰.۹۵	بیشتر از ۰.۹۰
RMSEA	۰.۰۶۴	کمتر از ۰.۰۸

بررسی شاخص‌های برازش مدل نشان داد که تمامی شاخص‌ها در محدوده مطلوب قرار دارند. مقدار  $\chi^2/df$  برابر با ۲.۴۱ به دست آمد که بیانگر برازش مناسب مدل است. همچنین مقادیر GFI، AGFI، CFI، TLI و IFI همگی بیشتر از ۰.۹۰ بودند که نشان‌دهنده تطابق مطلوب داده‌های تجربی با مدل مفهومی پژوهش است. مقدار RMSEA نیز برابر با ۰.۰۶۴ بود که کمتر از مقدار آستانه ۰.۰۸ بوده و حاکی از برازش قابل قبول مدل نهایی توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل ارائه شده از اعتبار ساختاری مطلوبی برخوردار است.

### جدول ۳. ضرایب مسیر عوامل مؤثر بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی

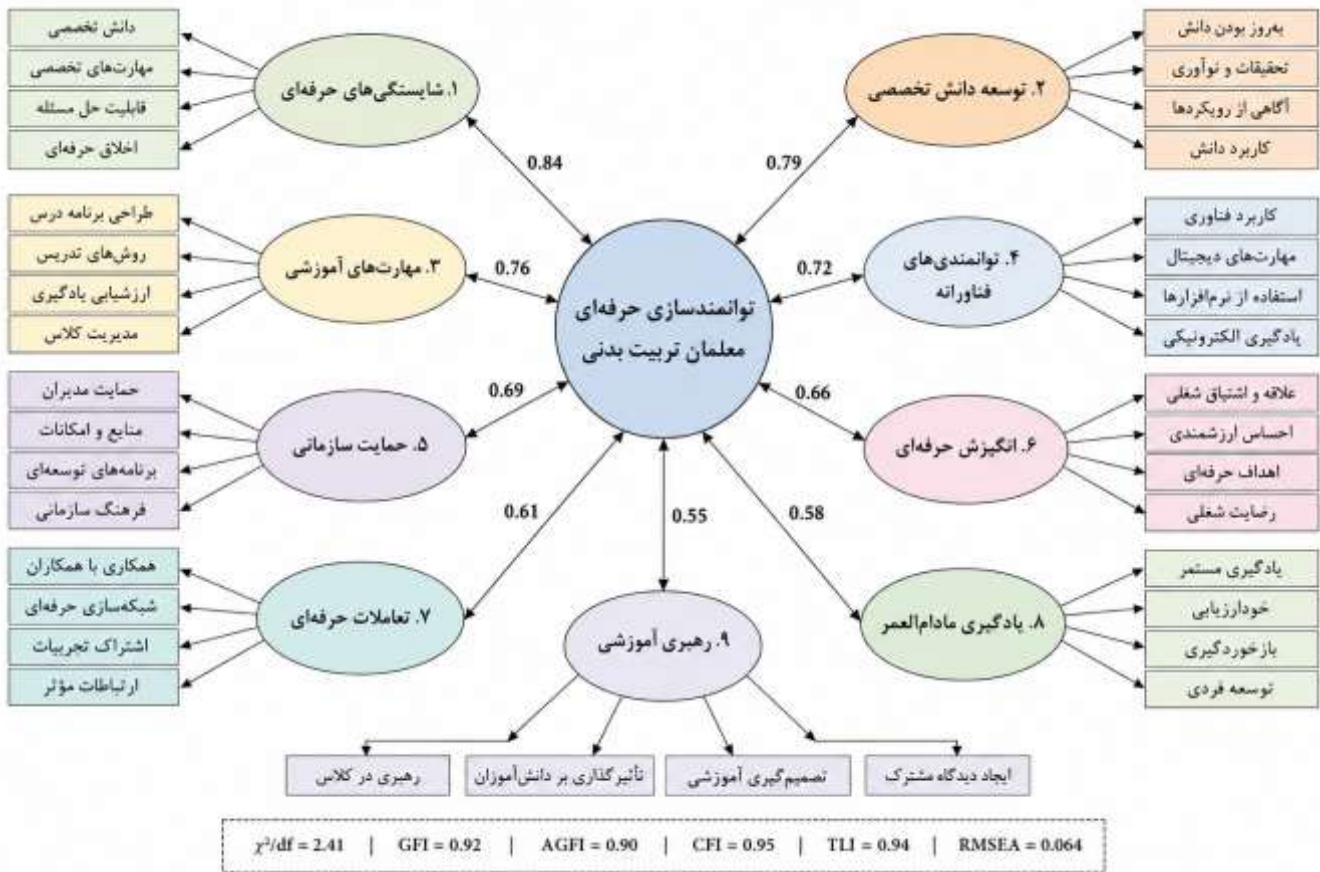
مسیر	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری
شایستگی‌های حرفه‌ای ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۸۴	۱۴.۷۶	۰.۰۰۱
توسعه دانش تخصصی ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۷۹	۱۳.۵۴	۰.۰۰۱
مهارت‌های آموزشی ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۷۶	۱۲.۹۱	۰.۰۰۱
توانمندی‌های فناورانه ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۷۲	۱۱.۶۳	۰.۰۰۱
حمایت سازمانی ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۶۹	۱۰.۸۵	۰.۰۰۱
انگیزش حرفه‌ای ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۶۶	۱۰.۱۴	۰.۰۰۱
تعاملات حرفه‌ای ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۶۱	۹.۲۷	۰.۰۰۱
یادگیری مادام‌العمر ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۵۸	۸.۹۶	۰.۰۰۱
رهبری آموزشی ← توانمندسازی حرفه‌ای	۰.۵۵	۸.۴۲	۰.۰۰۱

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که تمامی ابعاد شناسایی شده تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی دارند. بیشترین اثر مربوط به شایستگی‌های حرفه‌ای با ضریب مسیر ۰.۸۴ بود که نشان می‌دهد افزایش دانش، مهارت و قابلیت‌های تخصصی معلمان بیشترین نقش را در ارتقای توانمندی حرفه‌ای آنان ایفا می‌کند. توسعه دانش تخصصی و مهارت‌های آموزشی نیز از جمله عوامل بسیار تأثیرگذار بودند. در مقابل، رهبری آموزشی و یادگیری مادام‌العمر اگرچه از ضرایب کمتری برخوردار بودند، اما همچنان تأثیر معنادار و قابل توجهی بر توانمندسازی حرفه‌ای نشان دادند.

#### جدول ۴. رتبه‌بندی ابعاد مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی بر اساس آزمون فریدمن

رتبه	میانگین رتبه
۱	۷.۹۸
۲	۷.۴۲
۳	۶.۹۵
۴	۶.۴۳
۵	۵.۸۷
۶	۵.۳۴
۷	۴.۷۸
۸	۴.۲۶
۹	۳.۹۷

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که بین ابعاد مدل توانمندسازی حرفه‌ای تفاوت معناداری وجود دارد ( $\chi^2=218.64$ ،  $P<0.001$ ). بر اساس میانگین رتبه‌ها، شایستگی‌های حرفه‌ای در رتبه نخست قرار گرفت و مهم‌ترین عامل در توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی شناخته شد. توسعه دانش تخصصی و مهارت‌های آموزشی نیز در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. این نتایج بیان می‌کند که موفقیت برنامه‌های توانمندسازی حرفه‌ای زمانی بیشتر خواهد بود که ابتدا بر ارتقای شایستگی‌های تخصصی و مهارت‌های آموزشی معلمان تمرکز شود.



شکل ۱. مدل نهایی توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی

بررسی مدل نهایی نشان داد که توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی حاصل تعامل چندبعدی عوامل فردی، حرفه‌ای، سازمانی و آموزشی است. در این مدل، شایستگی‌های حرفه‌ای به عنوان هسته مرکزی مدل شناخته شد و سایر ابعاد شامل توسعه دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی، توانمندی‌های فناورانه، حمایت سازمانی، انگیزش حرفه‌ای، یادگیری مادام‌العمر و رهبری آموزشی در ارتباطی معنادار با آن قرار گرفتند. ضرایب مسیر به‌دست‌آمده نشان داد که ابعاد فردی و حرفه‌ای نسبت به ابعاد سازمانی از تأثیر بیشتری برخوردار هستند. به طور کلی، نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری تأیید کرد که مدل ارائه‌شده از توان تبیین و پیش‌بینی بالایی برخوردار بوده و می‌تواند به عنوان چارچوبی علمی برای طراحی سیاست‌ها، برنامه‌های آموزشی و راهبردهای توسعه حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی مورد استفاده قرار گیرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه حرفه‌ای آنان بود. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نشان داد که توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی سازه‌ای چندبعدی است که از نه بعد اصلی شامل شایستگی‌های حرفه‌ای، توسعه دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی، توانمندی‌های فناورانه، حمایت

سازمانی، انگیزش حرفه‌ای، تعاملات حرفه‌ای، یادگیری مادام‌العمر و رهبری آموزشی تشکیل شده است. همچنین نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که تمامی این ابعاد دارای اثر مثبت و معنادار بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی هستند و در میان آن‌ها شایستگی‌های حرفه‌ای، توسعه دانش تخصصی و مهارت‌های آموزشی بیشترین نقش را در تبیین توانمندسازی حرفه‌ای ایفا می‌کنند. برازش مطلوب مدل نیز بیانگر آن بود که ساختار پیشنهادی از اعتبار و انسجام نظری و تجربی مناسبی برخوردار است و می‌تواند به عنوان چارچوبی جامع برای توسعه حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، نقش محوری شایستگی‌های حرفه‌ای در تبیین توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی بود. این یافته نشان داد که دانش تخصصی، مهارت‌های حرفه‌ای، ویژگی‌های شخصیتی و قابلیت‌های اجرایی معلمان مهم‌ترین زیرساخت‌های توانمندسازی آنان را تشکیل می‌دهند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش شناسایی شایستگی‌های ضروری معلمان تربیت بدنی همسو است که شایستگی‌های حرفه‌ای را مهم‌ترین عامل موفقیت حرفه‌ای معلمان معرفی کرده‌اند (Aghaei et al., 2017). همچنین این یافته با نتایج مطالعه طراحی مدل شایستگی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی ایران مطابقت دارد که در آن ابعاد دانشی، مهارتی و نگرشی به عنوان عناصر بنیادین توسعه حرفه‌ای معرفی شدند (MirHosseini et al., 2019). از منظر نظری نیز می‌توان بیان کرد که توانمندسازی حرفه‌ای بدون برخورداری از شایستگی‌های حرفه‌ای پایدار نخواهد بود؛ زیرا معلمان زمانی می‌توانند احساس خودکارآمدی و اثربخشی داشته باشند که از دانش و مهارت کافی برای انجام وظایف حرفه‌ای برخوردار باشند. بنابراین هرگونه برنامه توسعه حرفه‌ای در حوزه تربیت بدنی باید در وهله نخست بر ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای تمرکز کند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که توسعه دانش تخصصی تأثیر معناداری بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی دارد. این نتیجه بیانگر آن است که به‌روز بودن اطلاعات علمی، آشنایی با دستاوردهای نوین علوم ورزشی و بهره‌گیری از پژوهش‌های جدید می‌تواند توانایی معلمان را در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی افزایش دهد. این یافته با پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ادغام شایستگی‌های کلیدی در برنامه‌های تربیت بدنی مدارس همخوانی دارد که بر ضرورت به‌روزرسانی مستمر دانش حرفه‌ای معلمان تأکید کرده‌اند (Lleixà et al., 2016). همچنین نتایج پژوهش‌های مبتنی بر مدل توانمندسازی معلمان تربیت بدنی نشان داده‌اند که توسعه دانش تخصصی یکی از ارکان اساسی رشد حرفه‌ای معلمان است (Shahzadeh Teymurlou et al., 2020; Shahzadeh Teymurlou et al., 2020). در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که تغییرات سریع در حوزه علوم ورزشی، آموزش، فناوری و سلامت موجب شده است که دانش تخصصی معلمان به صورت مداوم نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی باشد. معلمانی که فرصت یادگیری مستمر دارند، آمادگی بیشتری برای پاسخگویی به نیازهای جدید آموزشی خواهند داشت و در نتیجه احساس توانمندی بیشتری را تجربه می‌کنند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که مهارت‌های آموزشی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی است. این یافته با ماهیت حرفه معلمی سازگار است؛ زیرا حتی در صورت برخورداری از دانش تخصصی بالا، فقدان

مهارت‌های آموزشی می‌تواند اثربخشی فرآیند تدریس را کاهش دهد. این نتیجه با یافته‌های هریس و همکاران همسو است که نشان دادند برنامه‌های توسعه حرفه‌ای موجب ارتقای مهارت‌های تدریس و بهبود نگرش حرفه‌ای معلمان می‌شوند (Harris et al., 2011). همچنین پژوهش‌های مرتبط با استانداردهای حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی بر اهمیت توانایی طراحی آموزشی، مدیریت کلاس، ارزشیابی و ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند (Ahadi et al., 2012). از منظر کاربردی، این یافته نشان می‌دهد که دوره‌های توانمندسازی باید از رویکردهای صرفاً نظری فاصله گرفته و بر آموزش مهارت‌های عملی تدریس، مدیریت یادگیری و ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان تمرکز کنند.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، نقش مثبت و معنادار توانمندی‌های فناورانه در توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی بود. امروزه فناوری به بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام‌های آموزشی تبدیل شده است و معلمان برای ایفای نقش مؤثر خود نیازمند تسلط بر ابزارها و فناوری‌های نوین آموزشی هستند. یافته حاضر با مطالعاتی که بر ضرورت تلفیق فناوری با آموزش تربیت بدنی تأکید کرده‌اند همخوانی دارد (Lleixà et al., 2016). از یک سو فناوری امکان دسترسی سریع‌تر به منابع آموزشی و پژوهشی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر زمینه طراحی فعالیت‌های یادگیری متنوع‌تر را در اختیار معلمان قرار می‌دهد. بنابراین افزایش مهارت‌های فناورانه می‌تواند به ارتقای کیفیت تدریس، افزایش خلاقیت آموزشی و در نهایت تقویت توانمندی حرفه‌ای معلمان منجر شود.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که حمایت سازمانی تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی دارد. این یافته با پژوهش بررسی رابطه توانمندسازی و یادگیری سازمانی همسو است که نقش محیط سازمانی را در توسعه قابلیت‌های حرفه‌ای کارکنان برجسته ساخته است (Moradi Kamreh et al., 2016). همچنین نتایج مطالعه نقش توانمندسازی روان‌شناختی در ارتباط میان فضیلت سازمانی و تعهد سازمانی نشان داد که سازمان‌های حامی و یادگیرنده می‌توانند زمینه افزایش احساس توانمندی در معلمان را فراهم سازند (Moradiani Gilani & Zartoshtian, 2020). از دیدگاه نظری، حمایت سازمانی از طریق فراهم‌سازی منابع، فرصت‌های یادگیری، مشارکت در تصمیم‌گیری و ایجاد فضای اعتماد می‌تواند احساس ارزشمندی و اثربخشی را در معلمان تقویت کند. بنابراین مدارس و نهادهای آموزشی باید بستری مناسب برای رشد حرفه‌ای معلمان فراهم آورند. یافته‌های پژوهش نقش انگیزش حرفه‌ای را نیز در توانمندسازی حرفه‌ای تأیید کرد. این نتیجه نشان می‌دهد که علاقه به حرفه، احساس ارزشمندی، رضایت شغلی و تعهد حرفه‌ای از عوامل مهم توسعه حرفه‌ای معلمان هستند. نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش بررسی رابطه توانمندسازی روان‌شناختی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان تربیت بدنی همسو است که نقش انگیزش و تعهد را در بهبود عملکرد حرفه‌ای تأیید کرده‌اند (Safari et al., 2016). همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات حوزه توانمندسازی روان‌شناختی نیز مطابقت دارد که نشان می‌دهند افراد با انگیزش بالاتر، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های حرفه‌ای داشته و تمایل بیشتری به یادگیری و نوآوری از خود نشان می‌دهند (Moradiani Gilani & Zartoshtian, 2020). بنابراین توجه به عوامل انگیزشی باید به عنوان یکی از محورهای اصلی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای مدنظر قرار گیرد.

از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به نقش تعاملات حرفه‌ای اشاره کرد. نتایج نشان داد که همکاری با همکاران، شبکه‌سازی حرفه‌ای، تبادل تجربیات و ارتباطات اثربخش می‌تواند به ارتقای توانمندی حرفه‌ای معلمان کمک کند. این نتیجه با یافته‌های مطالعات توسعه حرفه‌ای که بر یادگیری مشارکتی و جوامع یادگیری حرفه‌ای تأکید دارند همخوانی دارد (Harris et al., 2011). تعاملات حرفه‌ای فرصت انتقال تجربه، حل مسائل مشترک و یادگیری متقابل را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود معلمان از دانش و تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند. در نتیجه، شکل‌گیری فرهنگ همکاری حرفه‌ای در مدارس می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر توانمندسازی معلمان مورد توجه قرار گیرد.

یافته دیگر پژوهش حاضر تأثیر یادگیری مادام‌العمر بر توانمندسازی حرفه‌ای بود. این نتیجه نشان می‌دهد که توسعه حرفه‌ای فرآیندی مستمر است و نمی‌توان آن را به دوره‌های آموزشی محدود کرد. معلمانی که به یادگیری مستمر، مطالعه، پژوهش و خودارزیابی اهمیت می‌دهند، سطح بالاتری از توانمندی حرفه‌ای را تجربه می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های مربوط به توسعه حرفه‌ای و یادگیری سازمانی مطابقت دارد که یادگیری مستمر را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد حرفه‌ای معرفی کرده‌اند (Harris et al., 2016; Moradi Kamreh et al., 2011). در شرایط کنونی که دانش و فناوری با سرعت زیادی در حال تحول هستند، یادگیری مادام‌العمر به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای معلمان تبدیل شده است.

در نهایت، نتایج نشان داد که رهبری آموزشی نیز یکی از ابعاد تأثیرگذار بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی است. این یافته بیانگر آن است که معلمان توانمند تنها مجریان برنامه‌های آموزشی نیستند، بلکه می‌توانند در هدایت فعالیت‌های آموزشی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه فرهنگ یادگیری نقش رهبری ایفا کنند. این نتیجه با مدل‌های نوین توانمندسازی معلمان تربیت بدنی که بر مشارکت فعال معلمان در فرآیندهای آموزشی تأکید دارند هماهنگ است (Shahzadeh Teymurlou et al., 2020; Shahzadeh Teymurlou et al., 2020). همچنین نتایج مطالعات مرتبط با شایستگی‌های حرفه‌ای نشان داده‌اند که رهبری آموزشی یکی از مؤلفه‌های پیشرفته رشد حرفه‌ای محسوب می‌شود (Aghaei et al., 2017; MirHosseini et al., 2019). بنابراین توسعه مهارت‌های رهبری می‌تواند زمینه ارتقای نقش حرفه‌ای معلمان را فراهم سازد.

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که توانمندسازی حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، آموزشی، سازمانی و حرفه‌ای قرار دارد. مدل ارائه‌شده توانست بخش قابل توجهی از واریانس توانمندسازی حرفه‌ای را تبیین کند و چارچوبی جامع برای شناخت عوامل مؤثر بر توسعه حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی فراهم آورد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز همزمان بر شایستگی‌های حرفه‌ای، توسعه دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی، توانمندی‌های فناورانه، حمایت سازمانی، انگیزش حرفه‌ای، تعاملات حرفه‌ای، یادگیری مادام‌العمر و رهبری آموزشی می‌تواند زمینه ارتقای کیفیت عملکرد معلمان تربیت بدنی و در نهایت بهبود کیفیت نظام آموزشی را فراهم سازد.

پژوهش حاضر با وجود برخورداری از یافته‌های ارزشمند، با محدودیت‌هایی همراه بود. نخست اینکه جامعه آماری پژوهش تنها شامل معلمان تربیت بدنی شهر تهران بود و تعمیم نتایج به سایر استان‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. دوم اینکه داده‌ها بر اساس ابزار خودگزارشی جمع‌آوری شدند و احتمال سوگیری پاسخ‌دهی وجود دارد. همچنین شرایط سازمانی، فرهنگی و مدیریتی مدارس مختلف می‌تواند بر ادراک معلمان از توانمندسازی حرفه‌ای تأثیرگذار باشد و این عوامل به طور کامل در پژوهش حاضر کنترل نشدند. علاوه بر این، ماهیت مقطعی پژوهش امکان بررسی تغییرات توانمندسازی حرفه‌ای در طول زمان را محدود کرد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی مدل ارائه‌شده را در سایر استان‌ها و سطوح آموزشی مورد آزمون قرار دهند تا قابلیت تعمیم آن بررسی شود. همچنین انجام مطالعات طولی برای بررسی روند شکل‌گیری و توسعه توانمندسازی حرفه‌ای معلمان در گذر زمان می‌تواند به غنای دانش موجود کمک کند. استفاده از روش‌های ترکیبی عمیق‌تر، مطالعات مقایسه‌ای بین معلمان زن و مرد، بررسی نقش متغیرهای فرهنگی و سازمانی و همچنین آزمون اثربخشی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مدل حاضر از دیگر زمینه‌های مهم برای تحقیقات آینده محسوب می‌شود.

ضروری است مدیران آموزشی و سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت برنامه‌های منسجم و مستمری برای ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی طراحی کنند. توسعه دوره‌های آموزشی مبتنی بر نیازهای واقعی معلمان، فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری حرفه‌ای، حمایت از فعالیت‌های پژوهشی، تقویت زیرساخت‌های فناورانه مدارس و ایجاد شبکه‌های همکاری حرفه‌ای می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای توانمندی معلمان داشته باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود نظام ارزیابی عملکرد معلمان به گونه‌ای بازطراحی شود که ابعاد مختلف توانمندسازی حرفه‌ای را مورد توجه قرار دهد و زمینه رشد و توسعه مستمر آنان را فراهم سازد.

## منابع

Aghaei, N., Saffari, M., & Sadat Hosseini, F. (2017). Identification of essential professional competence of physical education teachers with grounded theory approach. *Research in Sport Management and Motor Behavior*, 7(14), 71-83.

Ahadi, B., Seyed Ameri, M. A., & Moharramzadeh, M. (2012). Determining the professional standards of physical education teachers using the Delphi method. The second national conference of modern management sciences in Gorgan,

Cheragh Birjandi, K., Peymanizad, H., Keshtidar, M., & Fahim Devin, H. (2018). Structural Modeling of the Competency Pattern of University Physical Education Managers in Accordance with Islamic Culture. *New Approaches in Sport Management*, 6(21), 81-93.

Haegele, J. A., Hodge, S. R., Paulo José Barbosa Gutierrez, F., & Alexandre Luiz Gonçalves de, R. (2016). Brazilian Physical Education Teachers' Attitudes Toward Inclusion Before and After Participation in a Professional Development Workshop. *European Physical Education Review*, 24(1), 21-38.

<https://doi.org/10.1177/1356336x16662898>

Harris, J., Cale, L., & Musson, H. (2011). The Effects of a Professional Development Programme on Primary School Teachers' Perceptions of Physical Education. *Professional Development in Education*, 37(2), 291-305.

<https://doi.org/10.1080/19415257.2010.531973>

Lleixà, T., González-Arévalo, C., & Braz-Vieira, M. (2016). Integrating Key Competences in School Physical Education Programmes. *European Physical Education Review*, 22(4), 506-525. <https://doi.org/10.1177/1356336X15621497>

MirHosseini, F. S., Aghaei, N., & Saffari, M. (2019). Designing a professional competency model for Iranian physical education teachers. *Research in Educational Sport*, 7(17), 17-34.

[https://res.ssrc.ac.ir/article\\_1859.html?amp;lang=en&lang=fa&lang=en&lang=en&lang=en](https://res.ssrc.ac.ir/article_1859.html?amp;lang=en&lang=fa&lang=en&lang=en&lang=en)

Moradi Kamreh, M., Goodarzi, M., & Farahani, A. (2016). Relationship between Empowerment and Organizational Learning of the Staff of the Faculties of Physical Education, University of Tehran and Tarbiat Moallem University. *Journal of Sports Management, University of Tehran*. [https://jism.ut.ac.ir/article\\_58227.html?lang=en](https://jism.ut.ac.ir/article_58227.html?lang=en)

Moradiani Gilani, N., & Zartoshtian, S. (2020). The Mediating Role of Psychological Empowerment in the Relationship Between Organizational Virtue and Organizational Commitment in Physical Education Teachers. *Research in Physical Education and Sport*, 8, 157-178. [https://res.ssrc.ac.ir/article\\_2068.html?lang=en](https://res.ssrc.ac.ir/article_2068.html?lang=en)

Ruiz-Pérez, L. M., & Palomo-Nieto, M. (2018). Clumsiness and Motor Competence in Physical Education and Sport Pedagogy. <https://doi.org/10.5772/intechopen.70832>

Safari, S., Omid, A., Sajjadi, N., & Khabiri, M. (2016). The relationship between psychological empowerment, organizational commitment, and organizational citizenship behavior of physical education teachers in Iranian secondary schools. *Journal of Sport Management*, 8(1), 1-23. [https://jism.ut.ac.ir/article\\_58224\\_0.html?lang=fa](https://jism.ut.ac.ir/article_58224_0.html?lang=fa)

Shahzadeh Teymurlou, H., Khodayari, A., Nourbakhsh, M., & Alidoust Qahfarrokhi, E. (2020). Designing a Teacher Empowerment Model for Physical Education Teachers Based on the Vision 2025 Document of the Islamic Republic of Iran. *Research in Physical Education*, 8(18), 91-112. [https://res.ssrc.ac.ir/article\\_2067.html?lang=en](https://res.ssrc.ac.ir/article_2067.html?lang=en)

Shahzadeh Teymurlou, H., Khodayari, A., noorbakhsh, M., & Alidoust Ghahfarokhi, E. (2020). Developing an empowerment model of physical education teachers with emphasis of I.R Iran's 1404 Vision document. *Research on Educational Sport*, 8(18), 91-112. <https://doi.org/10.22089/res.2017.4387.1322>

Todorović, D., & Mitrović, M. (2017). Various modalities of aggressive behavior and emotional competence among students of other faculties - a pilot study. *Facta Universitatis, Series: Physical Education and Sport*, 15(2), 389-398. <http://casopisi.junis.ni.ac.rs/index.php/FUPhysEdSport/article/view/1285>

# Presenting a Professional Empowerment Model for Physical Education Teachers

1. Zoleikha Alizadeh Nasrabade Olya\*: Department of Sport Management, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran. Email: alizadeh411@yahoo.com

## Abstract

The purpose of this study was to develop and validate a professional empowerment model for physical education teachers and to identify the dimensions, components, and structural relationships among factors influencing their professional development. This study employed an exploratory sequential mixed-method design. In the qualitative phase, grounded theory was used to identify the dimensions and components of professional empowerment. The participants consisted of experts in sport management, curriculum studies, physical education, and experienced physical education teachers in Tehran during 2021, of whom 22 individuals were selected through purposive sampling. In the quantitative phase, the statistical population included all physical education teachers in Tehran. Based on Cochran's formula, 349 teachers were selected through stratified random sampling. Data were collected using semi-structured interviews and a researcher-developed Professional Empowerment Questionnaire. The data were analyzed using exploratory factor analysis, confirmatory factor analysis, structural equation modeling, and the Friedman test through SPSS and AMOS software. The results of exploratory factor analysis revealed that the professional empowerment model consisted of nine major dimensions, including professional competencies, specialized knowledge development, instructional skills, technological capabilities, organizational support, professional motivation, professional interactions, lifelong learning, and educational leadership, which collectively explained 78.56% of the total variance. Confirmatory factor analysis and structural equation modeling demonstrated satisfactory model fit (RMSEA=0.064, CFI=0.95, GFI=0.92). All dimensions had positive and statistically significant effects on professional empowerment ( $P < 0.001$ ). The strongest effects were observed for professional competencies ( $\beta=0.84$ ), specialized knowledge development ( $\beta=0.79$ ), and instructional skills ( $\beta=0.76$ ). Furthermore, the Friedman test indicated that professional competencies represented the most influential dimension of the model. The findings indicated that professional empowerment among physical education teachers is a multidimensional phenomenon influenced by professional, educational, organizational, technological, and motivational factors. The proposed model demonstrated satisfactory structural validity and can serve as a comprehensive framework for designing professional development programs, enhancing teachers' competencies, and improving the quality of physical education within educational systems.

**Keywords:** Professional Empowerment, Physical Education Teachers, Professional Competencies, Professional Development, Structural Equation Modeling, Educational Leadership, Lifelong Learning.